

## بررسی سبک های یادگیری، ویژگی های شخصیت و عملکرد تحصیلی دانش آموزان

زینب رمضانی گرمی<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> کارشناسی حسابداری، دانشگاه آزاد

### چکیده

امروزه، مهمترین دغدغه نظام آموزش و پرورش یک کشور، ایجاد بستری مناسب جهت رشد و تعالی سرمایه های فکری در جامعه اطلاعاتی و دانایی محور میباشد. از این رو، نظام آموزشی را زمانی میتوان کارآمد و موفق دانست که عملکرد تحصیلی دانش آموزان آن در دوره های مختلف دارای بیشترین و بالاترین رقم باشد. همه پیشرفتهای و سیر صعودی بشر امروزی به نحوی به یادگیری وی مربوط می شود. این بدان معناست که انسان از طریق یادگیری، رشد فکری می یابد و از طرفی خود یادگیری نیز از رشد فکری تأثیر می پذیرد. پژوهش حاضر با هدف بررسی سبک های یادگیری، ویژگی های شخصیت و عملکرد تحصیلی دانش آموزان و به روش توصیفی - تحلیلی انجام گرفته است. یافته های پژوهش حاکی از آن است که بررسی و جستجو در بین روش ها و سبک های مختلف یادگیری در کنار توجه به ویژگی های شخصیتی دانش آموزان و تحلیل ارتباط آن با عملکرد تحصیلی آنها، منجر به ایجاد یادگیری مطلوب و پایدار در دانش آموزان می گردد.

**واژه های کلیدی:** شخصیت، عملکرد تحصیلی، سبک یادگیری، دانش آموزان

## مقدمه

امروزه نظام تعلیم و تربیت هر جامعه زیربنای توسعه اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی آن جامعه به شمار می رود. بررسی عوامل پیشرفت جوامع پیشرفته نشان می دهد که همه این کشورها از آموزش و پرورش توانمند، مؤثر و کارآمد برخوردارند. نهاد آموزش و پرورش عهده دار ایجاد زمینه مناسب برای رشد و شکوفایی استعدادها و توانایی های افراد است. بدیهی است که رسیدن به این هدف مستلزم برنامه ریزی های وسیع، جامع و حساب شده با توجه به اهداف عمومی آموزش و پرورش هر جامعه است. [۱]

رشد و موفقیت دانش آموزان و جایگاه آنان در جامعه همواره مورد توجه نظام آموزش و پرورش بوده و این سازمان در تلاش است تا دانش آموزان در همه ابعاد و زمینه ها اعم از سلامتی، عاطفی، شناختی و شخصیتی و همچنین کسب مهارت ها و انواع توانمندی ها به پیشرفت و تعالی برسند. [۲] تربیت نیروی انسانی متخصص و متعهد آرمان هر نظام آموزشی است. ارتقاء رشد اقتصادی، اجتماعی و سیاسی هر جامعه منوط به وجود نظام آموزشی اثربخش و کارآمد است. انجام فعالیت های تربیتی در مدارس برای ایجاد انگیزه و محرک های ضروری در جهت تکامل طبیعی و سالم دانش آموزان است. فعال شدن دانش آموزان در نظریه ها و دیدگاه های نوین تعلیم و تربیت از اهمیت زیادی برخوردار بوده و عملکرد تحصیلی آنان در تمامی دوره های تحصیلی همواره مورد توجه بوده است. از این رو همه نظام های آموزشی در جهت افزایش سطح عملکرد تحصیلی آنها تلاش های مؤثری دارند. انگیزه و مولفه هایی همچون نوع مدرسه، طبقه و رضایت اجتماعی و اعتماد به نفس هر کدام رابطه مشخصی با عملکرد تحصیلی دانش آموزان دارند.

یکی از اصلی ترین اهداف نظام های آموزشی، بهبود عملکرد تحصیلی دانش آموزان است. به عبارت دیگر، نظام آموزشی را زمانی می توان کارآمد دانست که عملکرد تحصیلی آن در دوره های مختلف و درس های مختلف دارای بالاترین و بیشترین رقم باشد. عملکرد تحصیلی بیانگر این موضوع است که یادگیرنده، معلم و همچنین نهادهای آموزشی تا چه حد به اهداف خود دست یافته اند. [۳] اهمیت پیشرفت تحصیلی از آن جهت است که بکارگیری افراد سالم از نظر روانی، و کسانی که تحصیلات خود را در سیستم آموزشی با موفقیت گذرانده اند، موجب پیشرفت فرد، خانواده و یک جامعه خواهند شد.

در همین راستا، لازمه پیشرفت تحصیلی در دانش آموزان، داشتن توجه خاص به عوامل مؤثر بر آن است. از آنجا که پیشرفت تحصیلی یک عنصر چند بعدی است و با رشد جسمی، شناختی، اجتماعی و عاطفی دانش آموزان مرتبط است، لذا تحقیق و بررسی بر روی عوامل مؤثر بر پیشرفت تحصیلی مسئله پیچیده ای است. [۴] عوامل فراوان و متعددی بر موفقیت تحصیلی تاثیرگذار هستند که از عوامل فردی چون انگیزش تحصیلی و سازه های مربوط به خود گرفته تا عوامل محیطی چون کارکرد خانواده و عوامل مرتبط با مدرسه را شامل میشود. [۵]

با توجه به اینکه یاددهی و یادگیری از دیرباز همیشه موردتوجه خاص بشر بوده است. اما امروزه در قرن بیست و یک یادگیری یک عامل راهبردی برای موفقیت افراد و جوامع بشری محسوب میشود. در این قرن، که عصر تغییر از جامعه صنعتی به جامعه اطلاعاتی است دیگر توسعه چرخهای اقتصادی ملاک و هدف اصلی نیست بلکه توسعه و گسترش منابع انسانی است که ارج و منزلت خود را به عنوان یک کالای با ارزش و استراتژیک در جوامع به ثبت رسانده است.

امروزه یادگیری ( آموختن ) واژه ای است که در ابتدای امر حتی در امور روزمره کاربرد، آشنا و بدیهی به نظر میرسد ولی لازم است در ارائه تعریفی روشن و تعیین مرزهای مشخص کننده آن با سایر فرآیندها و سازه ها، اندکی درنگ و تعمق داشت . به فراگیری یا به تصرف درآوردن دانش ، یادگیری گفته می شود که بیان کننده نوعی تغییر در داشته ها است . [۶]

یادگیری یک فرآیند اجتماعی است و برای رسیدن به مرحله تولید اندیشه و اطلاعات ، انجام فعالیت های یادگیری حیاتی است . تمایل انسان به طور غریزی نگرستن اطراف و گسترش حوزه اطلاعات خود است . یادگیری در تمام صحنه های زندگی انسان نقش مؤثری دارد . این روحیه کنجکاوی از آغاز خلقت تا کنون سبب کسب و تولید دانش شده و همواره به عنوان محرک انسانها مطرح بوده است و آنچه باعث پیشرفت و تفاوت انسانهای امروزی از انسان های نسل قبل از خودشان می شود ، همین توانایی است . تعاریف متعددی برای یادگیری وجود دارد که هر یک از آن ها به جنبه های خاصی از فرآیند یادگیری تأکید می کنند و جنبه های دیگر آن را نادیده می گیرند . جامع ترین و مهم ترین تعریف که آن را به هیلگارد و مارکوئیز نسبت داده اند عبارتست از : « یادگیری یعنی تغییرات نسبتاً پایدار در رفتار بالقوه یادگیرنده، مشروط بر این که این تغییرات بر اثر تجربه رخ دهد. » [۷]

یکی از موضوعاتی که امروزه توجه مربیان تعلیم و تربیت و محققان را به خود جلب کرده، سبک دانش آموزان در یادگیری مطالب است . به باور کلب (۱۹۸۴) سبک شیوه ای است برای یادگیری شناخت و تفکر. سبک معادل با توانمندی فراگیر نیست بلکه شیوه ای است برای بکارگیری توانایی های خود . اهمیت شناخت سبک های یادگیری به اندازه اهمیت توانمندی های افراد در زندگیست . در نظام تعلیم و تربیت تا مدت های مدیدی عقیده بر آن بود که تفاوت در یادگیریهای افراد مختلف ناشی از تفاوت های موجود در هوش و توانمندی های آنان است . بعدها اما پژوهشگران ثابت کردند سبک یادگیری دانش آموزان با همدیگر متفاوت است . به عبارتی دانش آموزان اطلاعات را از طریق فیلتر های مختلفی پالایش می کنند. نتایج پژوهشهای انجام شده در رابطه با سبک های یادگیری نشان داده اند که در صورتی که آموزش به افراد با توجه به ترجیحات آنان در دریافت و پردازش اطلاعات باشد ، عملکرد تحصیلی آنها بهبود یافته و پیشرفت آموزشی حاصل می شود . [۸]

سبک یادگیری عنصری از یک مفهوم وسیع تر یعنی شخصیت است . روشی که افراد چیزها را یاد می گیرند در کل و رویکرد خاصی که آنها در برخورد با مسائل اتخاذ می کنند وابسته به ارتباط اسرار آمیز بین شخصیت و شناخت است. شخصیت، یک سازه کلی است که از مجموعه ویژگی های فردی تشکیل می گردد و به سه عامل تفکر، عواطف و رفتارهای بیرونی قابل مشاهده که در تعامل با عناصر محیط ایفای نقش می نماید، اشاره دارد. به طور کلی مجموعه ای از ویژگی های جسمی ، روانی و رفتاری که منجر به تمایز افراد از یکدیگر می شود را شخصیت گویند . در تعریف دیگری شخصیت را الگوی منحصر به فرد و پایدار احساسات ، افکار و اعمال نیز می گویند . یکی از متداول ترین طبقه بندیهایی که روانشناسان برای شخصیت به کار می برند درونگرایی و برونگرایی می باشد، که برای اولین بار توسط کارل یونگ به کار رفته است .

درون گراها نسبت به برون گراها کمتر احساسات خود را بروز داده و در یادگیری بیشتر از تنبیه اثر می پذیرند در صورتی که برون گراها را تشویق بیشتر تحت تاثیر قرار می دهد . در مقوله سر و صدا و واکنش های زیستی ، درون گراها عکس العمل بیشتری به سر و صدا نشان می دهند و هر کدام بهترین عملکرد خود را در زمانی که سر و صدا مطلوب ایشان باشد خواهند داشت. درونگرایان به بیشتر هم رنگ جماعت بوده و بدلیل شرطی بودن بیش از حد ، قانون پذیرترند، در حالیکه برون گراها بدون توجه به نتایج و پیامدهای آن ریسک پذیرتر و کمتر پایبند قوانین اند . [۹]

نتایج پژوهش ها در زمینه ارتباط شخصیت دانش آموزان و عملکرد تحصیلی آنها حاکی از آن است که بین نوع شخصیت دانش آموزان و پیشرفت تحصیلی آنها ارتباط مستقیم وجود دارد. برخی تحقیقات در حوزه شخصیت بیان می کنند که از آنجا که در جهت بهبود یادگیری لازم است توانایی افراد در نظم دهی به افکار و مدیریت زمان آنها بالا باشد؛ لذا نوع شخصیت و رفتار و تفکر دانش آموزان می تواند نقش موثری در عملکرد تحصیلی آنها داشته باشد.

### پیشینه تحقیق

در این گفتار به اختصار به بیان مطالعات و تحقیق هایی که در این زمینه انجام گرفته است، می پردازیم:

تابع بردبار (۱۳۹۱) در تحقیق خود به بررسی رابطه ویژگی های شخصیت و سبک های یادگیری با موفقیت تحصیلی دانشجویان برخط پرداخته است. یافته های این تحقیق نشان داد میان ویژگیهای شخصیت و سبکهای یادگیری با موفقیت تحصیلی رابطه معناداری وجود دارد. نوروزگرایی و توافق پذیری از ابعاد شخصیت و سبک یادگیری همگرا از ابعاد سبکهای یادگیری توانسته اند در پیش بینی موفقیت تحصیلی دانشجویان این دوره ها اثرگذار باشند.

یافته های پژوهش صبحی و همکاران (۱۳۹۲) در مقایسه سبکهای یادگیری، ویژگیهای شخصیتی و عملکرد تحصیلی دانش آموزان با و بدون ناتوانی یادگیری نشان داد دانش آموزان ناتوان در یادگیری از لحاظ ویژگیهای شخصیتی و همچنین نحوه یادگیری با دانش آموزان عادی متفاوت اند. توجه به این تفاوتها و نحوه تدریسی که با سبک یادگیری دانش آموزان و همچنین شخصیتی آنان هماهنگ باشد باعث میشود که این گروه از دانش آموزان مطالب درسی را بهتر بیاموزند و از خود و یادگیریشان احساس رضایت کنند که این خود موجب تشکیل یک خودپنداره مثبت در دانش آموزان ناتوان یادگیری و به تبع آن عملکرد مثبت آنان خواهد شد.

شیبانی و افلاکی فرد (۱۳۹۳) در پژوهش خود به بررسی نقش ویژگی شخصیتی بر عملکرد تحصیلی دانش آموزان پرداخته و نشان دادند تفاوت های شخصیتی عامل مهمی است که به واکنش های متفاوت در افراد منجر می شود و ممکن است زیر بنای موفقیت در انسان ها باشد و این شخصیت است که در چگونگی واکنش ها نقش تعیین کننده ای دارد. معلم به عنوان یک عامل بیرونی با لحاظ کردن ویژگی شخصیتی در کلاس درس می تواند در دانش آموزان علاقه و انگیزه برای پیشرفت به وجود آورد، تا اینکه آنها بتوانند نسبت به یادگیری و عملکرد خود پاسخگو باشند.

نتایج پژوهش معروفی و کرمی (۱۳۹۴) در بررسی سبک یادگیری به عنوان رویکردی برای هدایت تحصیلی دانش آموزان دبیرستانی نشان داد اغلب دانش آموزان رشته ریاضی و تجربی، دارای سبک یادگیری همگرا و جذب کننده و اغلب دانش آموزان رشته علوم انسانی دارای سبک یادگیری واگرا و انطباق دهنده هستند. بنابراین، با آگاهی از سبک یادگیری دانش آموزان، می توان آنان را به سمت رشته ای متناسب با سبک یادگیری شان در دبیرستان یا دانشگاه، هدایت نمود.

### روش تحقیق

پژوهش حاضر با هدف بررسی سبک های یادگیری، ویژگی های شخصیت و عملکرد تحصیلی دانش آموزان، به شیوه توصیفی و از نوع تحلیل محتوا انجام شده است و با توجه به روش پژوهش، جامعه آماری پژوهش شامل کلیه اسناد، مدارک و

منابع مرتبط با موضوع مورد بررسی می باشد. در این پژوهش ابتدا به بیان انواع سبک های یادگیری مطابق با نظریه های کلب و VARK پرداخته و سپس مفهوم شخصیت و عوامل موثر بر آن را بر شمرده ایم. پس از بیان نظریه های شخصیت به بررسی ارتباط بین شخصیت و سبک های یادگیری با عملکرد تحصیلی دانش آموزان پرداخته ایم.

### یافته های تحقیق

در فرآیند یاددهی و یادگیری عوامل متعددی دخیل هستند و محققان همواره برای بهبود و تسریع این فرآیند به دنبال راهکارهایی بوده اند. بسیاری معتقدند که سبک های یادگیری بر خود یادگیری تاثیر می گذارند. اگر چه اصطلاح سبکهای یادگیری به طرق مختلف تعریف می شود و تعاریف گوناگونی دارد و لیکن عمدتاً همه تعاریف بر این نکته تاکید می ورزند که سبکهای یادگیری شامل باورها، اعتقادات و رجحانها و رفتارهایی می باشد که افراد به کار می برند تا در یک موقعیت معینی به یادگیری خود کمک کنند. یادگیری، روش های مختلف دارد که برای شناخت روند یادگیری، بهتر است آن ها را بشناسیم، این روش ها عبارتند از:

- **روش دیداری:** مطالب بیشتر از طریق مطالعه، دیدن نمودارها و اشکال در ذهن ثبت می شوند. روش شنیداری: اکثراً اطلاعات از طریق شنیدن به ذهن منتقل می شوند.
- **روش شهودی:** اطلاعات بیشتر از طریق تجزیه و تحلیل روابط موجود بین موضوعات درسی آموخته می شوند.
- **روش انفرادی:** مطالب بیشتر توسط خود فرد مطالعه کننده و به صورت انفرادی مطالعه می شوند.
- **روش جمعی:** مطالب بیشتر از طریق بحث های بین گروهی آموزش داده می شوند.
- **روش اتفاقی:** یادگیری مطالب در این روش هیچ نظم و قانونی ندارد.
- **روش پلکانی:** مطالب در چندین مرحله و به صورت تدریجی آموزش داده می شوند.

### انواع سبک های یادگیری

روانشناسان زیادی نظریه هایی در مورد یادگیری و سبک های مختلف آن ارائه کرده اند. اما در این بین نظریه VARK مهمترین و معروفترین مدل برای سبک های یادگیری به شمار می رود. این مدل یادگیری را به ۴ دسته تقسیم می کند که عبارتند از:

۱. یادگیری دیداری (V)

۲. یادگیری شنیداری (A)

۳. یادگیری با خواندن/نوشتن (R)

۴. یادگیری حرکتی (K)

### ۱. یادگیری دیداری

اولین دسته از سبک های یادگیری را افرادی تشکیل می دهند که از طریق تصاویر مطالب را بهتر فرا می گیرند. این دسته از افراد علاقه بیشتری به نمودارها، جداول، و عکس ها دارند. افرادی که دارای یادگیری دیداری هستند معمولاً از راه نگاه کردن مطالب را بهتر یاد می گیرند .

### ۲. یادگیری شنیداری

دومین دسته از افراد، کسانی هستند که از طریق گوش مطالب را بهتر یاد می گیرند. پس می توان گفت سبک یادگیری آنها یادگیری شنیداری است. این دسته از افراد معمولاً بیشتر مطالب را در سر کلاس و در هنگام تدریس معلم یاد می گیرند. همچنین آن ها زمانی که در یک کنفرانس هم شرکت می کنند، بیشتر مطلب آن را به خاطر می سپارند.

### ۳. یادگیری با خواندن/نوشتن

دسته سوم آنهايي هستند که معمولاً مطالب را به کمک خواندن و نوشتن یاد می گیرند. به همین دلیل هم معمولاً بیشتر وقت خود را صرف مطالعه کتاب های درسی و یادداشت برداری از آنها می کنند.

### ۴. یادگیری حرکتی

دسته آخر از این دسته بندی سبک های یادگیری را کسانی تشکیل می دهند که یادگیری آنها از طریق حرکت، لامسه و به طور کلی درگیر شدن در روند آموزش یاد می گیرند. مثال بارز این نوع از یادگیری کسانی هستند که معمولاً برای به خوبی یاد گرفتن مبحثی، ترجیح می دهند آزمایشی هرچند کوچک در مورد آن اجرا کنند. به عبارت دیگر این افراد از طریق تجربیات خود یاد می گیرند.

یکی دیگر از رویکردها در مطالعه سبک های یادگیری افراد، نظریه سبک های یادگیری کُلب است. کُلب (۱۹۷۴) سبک یادگیری را روش فرد در تاکید بر برخی توانایی های یادگیری نسبت به دیگر توانایی های یادگیری قلمداد می کند . بر طبق نظریه کُلب، یادگیری یک فرایند چهار مرحله ای است که شامل : تجربه عینی، مشاهده تأملی، مفهوم سازی انتزاعی و آزمایشگری فعال است .

مطابق با نظریه کُلب ، در زمان یادگیری دو وظیفه اصلی بردوش فراگیران است که یکی کسب تجربه و اطلاعات و دیگری پردازش و تبدیل اطلاعات . دستیابی به تجربه و اطلاعات از طریق دو روش زیر قابل انجام است : عینی یا انتزاعی. پردازش اطلاعات نیز از دو روش مشاهده ی تأملی یا آزمایشگری فعال انجام می پذیرد .

به طور کلی در نظریه کُلب، چهار بعد یا چهار شیوه اصلی برای یادگیری وجود دارد: [۸]

### ۱. تجربه عینی ؛

یادگیری فرد در این مرحله از طریق کسب تجربیات خاص و ارتباط با دیگران انجام می گیرد . فرد در اینجا ذهنی باز نداشته و تنها به احساسات خود اعتماد دارد .

## ۲. مشاهده تأملی

این مرحله متشکل از نظاره اشیا از جنبه های متفاوت ، کاوش در مفاهیم و معانی و مشاهده دقیقی پیش از قضاوت و مقایسه است . فرد متکی بر قضاوت دقیق و عینیت است و لزوما اقدام خاصی انجام نمی دهد و در جهت ساخت عقیده خود تنها به نظریات و تفکرها رجوع می کند .

## ۳. مفهوم سازی انتزاعی

این مرحله شامل تجزیه و تحلیل منطقی نظریات و دیدگاه ها ، طراحی اصولی و منظم و درک عقلی شرایط است. بکارگیری منطق و تفکر بیشتر از احساس در این مرحله می باشد .

## ۴. آزمایشگری فعال

د راین مرحله امکان تامین وسایل کار و تاثیرگذاری بر افراد درطول انجام عمل فراهم می گردد. یادگیری به صورتی فعال جریان می یابد و فرد دیگر مشاهده گر صرف نیست بلکه علاقه و رویکردی فعال به مسئله دارد .

از دیگر تقسیم بندی های سبک های یادگیری می توان به دسته بندی زیر اشاره کرد :

### ۱. سبکهای شناختی:

به روشهای درک موضوع ، به خاطر سپاری اطلاعات ، اندیشیدن و حل مسائل روش سبک شناختی گفته می شود . سبک های یادگیری شناختی، انواع مختلفی دارند که عبارتند از:

- سبک سرعت ادراکی
- سبک وابسته به زمینه
- سبک مستقل از زمینه

در سبک یادگیری سرعت ادراکی فراگیران به دو دسته تقسیم می شوند: دسته ی اول تکانشی که تاکی آنها بر سرعت پاسخ گویی است و دسته دوم تاملی که بر دقت و صحت پاسخ تاکید دارند .

### ۲. سبکهای یادگیری عاطفی:

در برگیرنده ویژگیهای شخصیتی و هیجانی یادگیرنده مانند پشتکار تنها با دیگران کاربردن و پذیرش یا رد تقویت کننده های بیرونی است

### ۳. سبکهای یادگیری فیزیولوژیک:

جنبه زیست شناختی دارند و در برگیرنده واکنش فرد به محیط فیزیکی موثر بر یادگیری او هستند مانند ترجیح دادن مطالعه در شب و روز

## شخصیت و ویژگی های آن

شخصیت را شاید بتوان اساسی ترین موضوع علم روانشناسی دانست، زیرا محورهای اساسی بحث شخصیت در زمینه هایی مانند یادگیری، انگیزه، ادراک، تفکر، احساسات و عواطف است. با توجه به نقش فرد در جامعه، مفهوم اصلی و اولیه شخصیت به عنوان تصویری اجتماعی و صوری ترسیم می شود. به عبارت دیگر فرد به جامعه خود شخصیتی ارائه می کند که جامعه بر آن اساس او را ارزیابی می کند. شخصیت هر فرد، کل خصایص بدنی، ذهنی، عاطفی، اجتماعی و اخلاقی اعم از موروثی یا اکتسابی است که او را به طور آشکار از دیگران مشخص می کند. شخصیت شامل آنچه فرد امروز هست و آنچه امیدوار است بشود، می باشد. پس هر صفتی که فرد را از افراد دیگر ممتاز می کند، جنبه ای از شخصیت او را تشکیل می دهد. [۱۰]

## عوامل موثر بر شخصیت

در تکوین شخصیت دو عامل کلی نقش دارد: [۱۱]

### ۱. عوامل زیستی

عوامل زیستی معمولاً به ارث می رسد و از همان ابتدا در فرد وجود دارد. مهمترین این عوامل عبارتند از:

#### ۱-۱. جنس

جنس از جمله عناصر زیستی است که در تعیین شخصیت افراد به وضوح نقش دارد.

یکی از عناصر زیستی، که آشکارا در تعیین شخصیت نقش دارد، جنس است. تفاوت های زیستی زن و مرد بسیار متعدد و متفاوت است. این تفاوت ها در شکل ظاهری بدن، فیزیولوژی و مخصوصاً غدد درون ریز آشکارا به چشم می خورد. مطالعه تفاوت های روانی موجود بین زن و مرد امروزه از بخش های مهم « روان شناسی تفاوت های فردی » را تشکیل می دهد. تفاوت های مربوط به جنس را می توان از جنبه های مختلف مورد بررسی قرار داد. در زیر به برخی از آنها اشاره می شود.

– اعمال حسی – حرکتی

– اعمال ذهنی

– عواطف، نگرشها و رغبت ها

– تفسیر اعمال مردان و زنان

#### ۱-۲. سن

افزایش سن یکی از عوامل موثر بر تغییر در شخصیت افراد است. این تغییر بیش از آنکه تحت تاثیر بلوغ زیستی باشد، تحت نفوذ مجموعه ساخت های بدنی، دستگاه غدد درون ریز و دستگاه عصبی است.



### ۱-۳. عوامل عصبی - غددی

اهمیت نقش غدد درون ریز در تعیین شخصیت هر فرد که عملکرد آنها را دستگاه عصبی مرکزی هماهنگ می کند، فراوان است. تفاوت در ترشح غدد درون ریز به عنوان علت اصلی تفاوت های جنسی بوده که حتی رشد عمومی فرد را نیز تا اندازه زیادی همین غدد کنترل می کنند.

### ۲. عوامل اجتماعی

عوامل اجتماعی محصول محیط اجتماعی است، محیطی که فرد اولین سالهای زندگی خود را در آن گذرانده است، یعنی خانواده، مدرسه، اشخاصی که با او ارتباط داشته اند، موفقیتها و شکستهای اولین دوران کودکی. عوامل اجتماعی معمولاً تحت عنوان عوامل نهادی که به طور ارادی عمل می کنند و دوام می یابند می باشد.

### ۲-۱. تعلیم و تربیت

مجموعه اقداماتی که گروه اجتماعی برای رویارویی کودک با برخی موقعیتها اتخاذ می کند تا به کمک یادگیری، شخصیت او شکل بگیرد، اصطلاحاً تعلیم و تربیت نامیده می شود.

### ۲-۲. نقش اولین سالهای زندگی

یکی از نظریه هایی که مکتب روانکاوی ارائه کرده و کمتر مورد اعتراض قرار گرفته، اثر بنیادی اولین سالهای زندگی در رشد و شکل گیری شخصیت است. روانشناسی آزمایشی و روانشناسی حیوانی، در تایید این ادعای روانکاوی، نتایج تایید شده زیادی فراهم آورده اند و ما به نمونه هایی از آنها در فصل سوم اشاره کردیم. اولین سالهای زندگی با دوره تغییر شکل سریع ساختهای عصبی همراه است. در این دوره، بدلیل قدرت پذیری بالای ساخت های عصبی، سرعت یادگیری نیز افزایش می یابد و بیشتر پایدار می ماند. مکانیسمهایی که اجتماعی شدن کودک را تعیین می کنند انواع مختلف دارند و هنوز تا حد زیادی به صورت فرضیه مطرح هستند. از نظر مکتب روان کاوی، دو عامل تعیین کننده اصلی عبارتند از توالی مراحل رشد جنسی، در معنای وسیع کلمه و همانند سازی.

#### - مراحل رشد جنسی :

از نظر مکتب روان کاوی، کلیه اقدامات اجتماعی، که توالی موزون مراحل رشد جنسی را فراهم می آورد، یا بر عکس، آن را مختل می سازد، بر روند شکل گیری شخصیت اثر بنیادی دارد

#### - همانند سازی :

دومین عاملی که اهمیت آن در روان کاوی مورد تایید قرار گرفته، فرایند همانند سازی است، همانند سازی، یعنی تمایل پسر به قبول صفات پدر و تمایل دختر به قبول صفات مادر یعنی احتمالاً شخص دیگری از جنس خود. همانند سازی در واقع نوعی تقلید ناآگاهانه از نمونه های رفتاری والدین است که به کمک مکانیسم درون فکنی انجام می گیرد. شکل گیری شخصیت

به صورت اجتماعی شدن تدریجی ظاهر می شود و مکتب روان کاوی ، در رشد آن ، همانند سازه های متوالی و متعددی را موثر می داند .

## نظریه های شخصیت

### ۱. رویکرد زیستی

#### ۱-۱. نظریه بقراط :

یکی از قدیمی ترین طبقه بندی ها در بررسی ارتباط بین ساختمان بدن و مزاج و خلق و خو طبقه بندی «بقراط» است که اشخاص را برحسب اینکه کدام یک از مزاجها بر آنها مسلط باشد به اخلاط چهارگانه: سودایی، دموی، بلغمی و صفراوی تقسیم کرده است . بقراط برای هریک از این نمونه ها مختصات روانی و بدنی خاصی قائل بوده و شخصیت آدم را تابع مزاج وی می پنداشت :

- دموی مزاج : ظاهری خوش آب و رنگ داد و قوی بنیه است . آدمی است خوش گذران ، خوش بین ، جدی و فعال ، بدون عمق و سطحی ؛
- بلغمی مزاج : دارای بدنی پرچربی و قطور ، و دارای اخلاقی زودآشنا ، اجتماعی ، کم فعالیت ، وارفته و کند ذهن .
- صفراوی مزاج : باریک اندام ، دارای پوست بدنی معمولاً گرم و خشک و زیتونی رنگ ، و از نظر اخلاقی تند خو ، زود خشم ، جاه طلب و حسود و ثابت قدم
- سوداوی مزاج : سیه چهره و دراز اندام ، دارای قیافه ای پرحرکت و چشمانی درخشان ، از لحاظ شخصیتی مضطرب ، نگران ، ناراضی ، بدبین ، پرجنب و جوش ولی بدون پایداری و استقامت [۱۲]

#### ۱-۲. نظریه کرچمر :

در سال ۱۹۲۱ روان پزشک آلمانی ارنست کرچمر با بکارگیری شیوه های انسانی سنجی جسمی ، انسانها را به دو دسته فربه تنان و لاغر تنان تقسیم کرد و بعدها دسته سومی به نام پهلوانی نیز اضافه کرد و این ها را در کتاب خود با نام ساخت بدن و منش منتشر کرد . به هریک از این سه سنخ جسمی یک سنخ روانی مربوط می شود : به عنوان مثال فربه تنان از نظر روانی ادواری خوی ، لاغرتنان ، اسکزوئید خوی و سنخ پهلوانی صرع و اره خوی هستند . ادواری خویان از نظر خلق و خوی بی ثبات و سکون ، و از نظر روانی ، عاطفی و احساساتی هستند اسکیزوئید خویان شخصیت گسیخته دارند و درون گرا هستند . صرع واره خویان محتاط و محافظه کار و کندند . [۱۳]

**۲. رویکرد صفات**

در این رویکرد تلاش شده خصوصیات اصلی افراد که جهت دهنده به رفتار آنان است، تفکیک شود. توجه به شخصیت اجتماعی افراد و توصیف شخصیت و پیش بینی رفتار افراد در رویکرد صفاتی بیشتر مود توجه قرار میگیرد تا اینکه رشد شخصیت آنان در کانون توجه باشد. در نظریات رویکرد صفاتی تفاوت افراد از نظر مقیاس هایی است هر کدام نمودار یک صفت است. از این رو در این رویکرد توجه بیشتر بر جایگاه افراد در ابعاد مختلف است.

آیزنک از جمله کسانی است که در زمینه ی رویکرد صفات تحقیقاتی انجام داده است. نتیجه نهایی تحقیقات آیزنک معلوم داشت که شخصیت دارای سه حد است که هر کدام یک قطب مخالف دارد: [۹]

- درون گرایی (برون گرایی)
- روان نژندی (فقدان روان نژندی)
- روان پریشی (فقدان روان پریشی)

آیزنک ضمناً افرادی را که به هریک از این قطب های نهایی تعلق دارند از نظر روانی توصیف و تعبیر کرده است. بعضی از صفات هریک از این تیپ ها بدین قرارند:

**۲-۱. درون گرایان :**

درون گراها تحت تأثیر ویژگیهای سیستم عصبی مرکزی قرار دارند. با توجه به اینکه در تحریک پذیری زیاد استعداد ذاتی دارند، لذا از محرک ها دوری می کنند. اعتیاد به مخدرات دودی نداشته و بیشتر در خود فرو رفته اند. تمایلی به مشارکت در اجتماعات نداشته و بیشتر منزوی و گوشه گیرند. با اینکه خیال پرورند اما هوش بالا و قدرت بیان خوبی دارند. دقت در انجام کارها و زیاده خواهی از خصایص بارز آنها بوده اما ارزشی برای کاری که انجام می دهند، قائل نیستند. به سنت ها و اصول گذشته پایبندند و آمادگی بالایی برای ابتلا به افسردگی و وسواس دارند.

**۲-۲. برون گرایان :**

مشابه درون گرایان، برون گراها نیز تحت تأثیر ویژگیهای سیستم عصبی مرکزی قرار دارند. تحریک پذیری کم داشته و دمووی مزاجند. اعتیاد به مخدرات دودی دارند و زمان برای آنها کوتاه تر از درون گراها به نظر می آید. کمتر خطر پذیرند و تمایلی به فعالیت و کار و تلاش ندارند. از نظر هوش در سطح پایین تری از درون گراها بوده و استقامت کمتری در انجام کارها دارند. بی دقتی و شتابزدگی در انجام کارها دارند اما ارزش بالایی برای کارهایی که انجام می دهند قائلند. انعطاف پذیری بالایی دارند و از شوخی و لطیفه گوئی لذت می برند.

**۲-۳. روان نژندان :**

بر خلاف درون گراها و برون گراها، روان نژندان تحت تأثیر سیستم عصبی خود کار قرار دارند. دید پایینی در تاریکی دارند و در صورت بستن چشمان آنان، تعادل خود را بیش از افراد سالم از دست می دهند. دچار ضعف و نقص روحی و جسمی بوده و از نظر هوش پایین ترند. همچنین در زمینه هایی چون تمرکز حواس، درک حسی و تلاش و کوشش از حد متوسط دیگر افراد در سطح پایین تری قرار دارند. سرعت عمل پایینی در اندیشیدن و عمل مردن دارند و به شدت تحت تأثیر تلقین قرا می گیرند.

## ۲- ۴. روان پریشان :

این افراد دچار مشکلات جدی در محاسبه و تمرکز حواس هستند . ضعف حافظه دارند و از نظر تحرک و فهم و درک و انجام اعمال مختلف بسیار کند می باشند . بیشتر ساکن اند و بین واقعیت و سطح توقع و آرزو آنها تطابق کمتری وجود دارد و سازش کمتری با تغییرات محیط اطراف خود دارند .

## نتیجه گیری

در اغلب محیط های آموزشی عامل اصلی موفقیت افراد ، توانایی های آنها برشمرده می شود . اما این توانمندی ها به تنهایی نمی توانند عامل اصلی پیروزی افراد باشند، بلکه ، تفاوت های فردی بین افراد مختلف نیز از جمله عوامل موثر بر موفقیت یا ناکامی افراد می باشد . تحلیل و بررسی این تفاوت های فردی در روانشناسی علاوه بر در نظر گرفتن سبک و شیوه های مختلف یادگیری در افراد مختلف ، همواره به عنوان عامل کلیدی در جهت تسهیل و بهبود یادگیری دانش آموزان مطرح بوده است . شناخت بهتر ویژگی های شخصیتی دانش آموزان در کنار آگاهی از نوع و سبک های یادگیری آنها و استفاده از الگوهای آموزشی متناسب در برنامه های آموزشی ، می تواند به معلمان و مشاوران مدرسه در جهت بهبود یادگیری و عملکرد تحصیلی دانش آموزان در مدارس کمک شایانی بنماید .

## منابع

۱. طالب زادگان ، میترا ؛ بررسی عوامل مؤثر بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان موفق ، شورای تحقیقات آموزش و پرورش استان خوزستان ، ۱۳۷۸
۲. باقرزاده، غفار؛ رابطه سبکهای یادگیری با انگیزه پیشرفت و عملکرد تحصیلی هنرجویان پسر سال سوم هنرستانهای کار و دانش ناحیه ۱ شهرری ، ۱۳۸۵
۳. منصوری ، سیروس ؛ خدایی ، طاهره ؛ تاثیر آموزش با استفاه از چند رسانه ای بر علاقه به درس و عملکرد تحصیلی درس علوم تجربی دانش آموزان پایه پنجم ابتدایی ، دوفصلنامه توسعه برنامه درسی ، ۱ (۱) ، ۱۴۰۱
۴. آتش روز، ب.، پاکدامن، ش.، عسکری، ع ؛ پیش بینی پیشرفت تحصیلی از طریق میزان دلبستگی . فصلنامه خانواده پژوهی ۴ (۱۴) ، ۱۳۸۷ ، ۲۰۳ - ۱۹۳
۵. میکوچی، جوزف ؛ نوجوان و خانواده درمانی . ترجمه مهشید یاسایی . تهران : انتشارات ققنوس، ۱۳۸۳
۶. هیلگارد.ا. ؛ باور.گ. ؛ نظریه های یادگیری. برگردان محمدنقی براهنی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی ، ۱۳۷۱
۷. نوروزی وند ، حامد ؛ نوروزی وند ، طاهره ؛ بررسی یادگیری مشارکتی دانش آموزان ، مجله پژوهش های معاصر در علوم و تحقیقات ، ۳ (۲۵) ، ۱۴۰۰ ، ۱۰۱ - ۸۳
۸. رضائی رفیع ، ذوالفقار ، رضائی منش ، معصومه ؛ بررسی رابطه سبکهای یادگیری با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان مقطع ابتدایی ، مجله دستاوردهای نوین در مطالعات علوم انسانی ، ۲ (۲۰) ، ۱۳۹۸ ، ۵۶ - ۳۸

۹. مامن پوش، مریم؛ بررسی رابطه تیپ شخصیتی (برونگرا - درونگرا) با رضایت شغلی و تعهد سازمانی کارکنان ذوب آهن اصفهان، ۱۳۸۸، [/https://rasekhoon.net/article/print/133272](https://rasekhoon.net/article/print/133272)
۱۰. پوررشیدی، رستم؛ جلالی جواران، مرتضی؛ شخصیت و شکل گیری شخصیت از دیدگاه روانشناسی و قرآن و سنت، نشریه کارآفرینان امیرکبیر، شماره ۶۴، ۱۳۸۹، ۱۲ - ۸
۱۱. برزکار، ابراهیم؛ شخصیت و عوامل مؤثر بر آن، ۱۳۹۲، <http://ebarzkar.blogfa.com/post/145>
۱۲. ستوده، هدایت الله. (۱۳۸۲) آسیب شناسی اجتماعی. تهران. انتشارات آوای نور.
۱۳. کریمی، یوسف (۱۳۷۵). روانشناسی شخصیت. تهران، نشر ویرایش